

The Role of the Great Jihad in the Realization of the New Islamic Civilization with an Emphasis on the Thought of Imam Khamenei

Received: 29/12/2021

Accepted: 22/1/2023

Asadullah Kurd Firouzjaei¹

(164-179)

The new Islamic civilization is a promising phenomenon for the oppressed and freedom seekers of the world and inspired by the divine word, whose formation is not far from the reach of the Taliban under the condition of effort and mujahidan steps from the Great Jihad. Therefore, research in analyzing the role of the Great Jihad is important for its realization. Now more or less in the elite circles, how the new Islamic civilization is formed has become a discourse, but how it is connected with the great jihad, which is considered one of the important variables in its realization, is still in an aura of ambiguity. This ambiguity may slow down the process of realizing the new Islamic civilization. Therefore, the question arises, what is the role of the Great Jihad in the realization of the new Islamic civilization? The hypothesis of the research is that the ground for the realization of the new Islamic civilization is provided by the mujahidan effort of the Great Jihad. This article has been able to analyze the role of great jihad in the realization of modern Islamic civilization by describing and analyzing examples of great jihad and with library tools, emphasizing on the thought of Imam Khamenei. According to the findings of the research, Jihad Kabir, whether in a negative sense, such as disobeying Western civilization, not accepting the rule of infidels, and the like, or in a positive sense, such as perseverance in the evolution of human sciences, insistence on the Islamic lifestyle, perseverance in the training of civilization-building managers and Like that, it is effective in realizing the new Islamic civilization.

Keywords: Islamic civilization, Great Jihad, Western civilization, evolution in science, lifestyle.

1. Associate Professor, Department of Islamic Philosophy and Theology, Institute of Theology and Islamic Studies, Imam Sadiq Institute of Islamic Sciences, Qom, Iran, ekf474@yahoo.com.



نقش جهاد کبیر در تحقق تمدن نوین اسلامی با تأکید بر اندیشه امام خامنه‌ای دام ظلّه

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲

اسدالله کرد فیروزجایی^۱
(۱۶۴-۱۷۹)

چکیده

تمدن نوین اسلامی پدیده‌ای امیدبخش برای مستضعفان و آزادی‌خواهان جهان و الهام‌یافته از کلام الهی است که شکل‌گیری آن برای طالبانش به شرط کوشش و گام‌های مجاهدانه از سنخ جهاد کبیر چندان دور از دسترس نیست. از این رو، پژوهش در تحلیل نقش جهاد کبیر برای زمینه‌سازی تحقق آن، از اهمیت برخوردار است. هم‌اکنون کم‌وبیش در محافل نخبگانی، چگونگی شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی به گفتمان تبدیل شده، ولی چگونگی ترابط آن با جهاد کبیر که یکی از متغیرهای مهم در تحقق آن شمرده می‌شود، همچنان در هاله‌ای از ابهام است. از این رو، این پرسش مطرح می‌شود که جهاد کبیر در تحقق تمدن نوین اسلامی چه نقشی دارد؟ فرضیه پژوهش این است که زمینه تحقق تمدن نوین اسلامی با تلاش مجاهدانه از سنخ جهاد کبیر فراهم می‌شود. این مقاله توانسته است با توصیف و تحلیل مصداقی جهاد کبیر به تحلیل نقش جهاد کبیر در تحقق تمدن نوین اسلامی با تأکید بر اندیشه امام خامنه‌ای بپردازد. براساس یافته‌های پژوهش، جهاد کبیر چه به لحاظ سلبی، مانند اطاعت نکردن از تمدن غرب، نپذیرفتن ولایت کفار و مانند آن، و چه به لحاظ ایجابی، مانند استقامت‌ورزی در تحول علوم انسانی، پافشاری بر سبک زندگی اسلامی، استقامت در تربیت مدیران تمدن‌ساز و مانند آن، در تحقق تمدن نوین اسلامی تأثیرگذار است.

واژگان کلیدی: تمدن اسلامی، جهاد کبیر، تمدن غرب، تحول در علوم، سبک زندگی.

۱. دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، پژوهشکده الهیات و معارف اسلامی، پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه السلام، قم، ایران، ekf474@yahoo.com.

مقدمه

تمدن نوین اسلامی در امتداد تمدنی است که پیامبر گرامی اسلام ﷺ آن را بنا نهاده و مدینه النبی نمونه سرآغاز آن است. اگرچه تمدن برخاسته از اسلام در گذر زمان دچار فترت و ضعف شد، ولی با آغاز انقلاب اسلامی ایران جهش و حرکتی نو و دوباره به خود گرفت و برخی از مقدمات آن همچون انقلاب اسلامی و نظام اسلامی به وقوع پیوستند. این نظام هم‌اکنون در مراحل فرایندهای دیگر یعنی دولت‌سازی و جامعه‌سازی است که همه اینها در آینده به تمدن نوین اسلامی منجر خواهند شد؛ زیرا شکل‌گیری تمدن نوین از وعده‌های تخلف‌ناپذیر الهی است. (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۹/۱۷) از این رهگذر، می‌توان دریافت که این تمدن رقیب جدی تمدن غرب خواهد بود (نجفی و غلامی، ۱۳۹۷: ۱۲۶) بنابراین، غرب با تمام نیرو، برای محقق نشدن تمدن موعود الهی یعنی تمدن نوین اسلامی می‌کوشد.

روشن است که برای تحقق و دستیابی به تمدن نوین، به مقدمات و الزاماتی نیاز است تا موجب جهش در فرایند شکل‌گیری آن شود. در اینجا پرسشی مطرح می‌شود که جهاد کبیر به‌عنوان یکی از الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی، چه نقشی در تحقق آن دارد؟ فرض بر این است که یکی از نمونه‌های آن مقدمات و الزامات، مجاهدت در راه خداست. (بهمنی، ۱۳۹۳: ۲۱۲) چنان‌که مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند: «جهاد مداوم، نیاز همه است. همه پیشرفت‌ها، همه تمدن‌سازی‌ها به برکت مجاهدت دائم شده است». (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۲/۱۱) از این رو می‌توان دریافت که یکی از نمونه‌های مجاهدت‌هایی که می‌تواند در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی سهم داشته باشد، جهاد کبیر و ایستادگی در برابر تمدن غرب است.

در پژوهش پیش‌رو کوشش بر این است تا با ابزار کتابخانه‌ای و روش تحلیل مصادیق جهاد کبیر، روشن شود که با پیروی نکردن از کفار، استقامت‌ورزی در تحول علوم انسانی، جهش در تربیت مدیران تمدن‌ساز، پافشاری در سبک زندگی اسلامی و مبارزه با تمدن غرب، می‌توان در تحقق تمدن نوین اسلامی سهیم بود و نقش ایفا کرد.

۱. چهارچوب نظری

۱-۱. مفاهیم

در هر پژوهشی ادراک و فهم درست عنوان، متوقف بر فهم واژگان نظری آن است. فهم واژگان مرتبط می‌تواند بر قوت در استدلال و ادراک مطالب تأثیرگذار باشد. ازاین‌رو، نیاز است در این قسمت به فهم واژگان مرتبط با عنوان مقاله پرداخته شود.

الف) جهاد: جهاد در لغت به معنای کوشش کردن و کوشیدن به اندازه طاق‌آمده است (عمید، ۱۳۶۴، ج ۱: ۷۱۵؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۳۸۹) و در اصطلاح گونه‌ای خاص از کوشش است؛ یعنی مبارزه کردن در راه خدا با جان، مال و دارایی‌های دیگر خود در نبرد با کافران و باغیان، با هدف گسترش و اعتلای اسلام و برپا داشتن شعائر یا دفاع از آن. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱: ۳) معنای عملیاتی جهاد در این پژوهش عبارت است از ایستادگی و مبارزه نرم‌افزاری در برابر دشمن و شکست دادن آن در عرصه‌های گوناگون، به‌ویژه در حوزه تمدنی. چنان‌که رهبر معظم انقلاب نیز جهاد را به همین معنا در نظر گرفته است و می‌فرماید:

جهاد یعنی مبارزه... [وقتی گفته می‌شود] من دارم مبارزه می‌کنم [یعنی] مبارزه علمی می‌کنم، مبارزه اجتماعی می‌کنم، مبارزه سیاسی می‌کنم، مبارزه مسلحانه می‌کنم، همه اینها مبارزه است... جهاد در زبان عربی عیناً به همین معناست؛ یعنی مبارزه. جهاد در قرآن و حدیث هم به همین معناست. همه‌جا به معنای جنگ مسلحانه نیست. البته یک‌جا با جنگ مسلحانه تطبیق می‌کند، یک‌جا هم با جنگ غیرمسلحانه تطبیق می‌کند. (خامنه‌ای،

۱۳۸۳/۸/۲۰)

ب) جهادکبیر: جهاد کبیر در لغت به معنای جهاد بزرگ است. ولی در اصطلاح عبارت است از «اطاعت نکردن از کفار و معاندان اسلام» (فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ۸۷۱؛ سبزواری نجفی، ۱۴۰۶ق، ج ۵: ۱۵۵؛ خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۳/۶) قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» از کافران اطاعت نکن و با اطاعت

نکردن با آنان جهاد بزرگی بنما». (فرقان: ۵۲) بنابراین، اطاعت نکردن و استقامت ورزیدن در برابر تمدن غرب، جهاد کبیر به شمار می‌رود. البته دیدگاه دیگری در معنای جهاد کبیر وجود دارد که برآیند معنای متفاوت از آیه یادشده است. در این معنا، ضمیر در «به» به قرآن برگردانده می‌شود که در این صورت، معنای آیه عبارت خواهد بود «از کافران اطاعت نکن و به وسیله قرآن با آنان جهاد بزرگی بنما». با این فرض، جهاد کبیر جهاد علمی شمرده می‌شود. (طوسی، بی‌تا، ج ۷: ۴۹۸؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۵: ۲۲۸) از این رو، فعالیت‌هایی که دانشمندان و متکلمان در دفاع از دین انجام می‌دهند از نوع جهاد کبیر خواهد بود. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۲۷۳) معنای برگزیده در این مقاله همان معنای نخست است؛ چنان‌که مقام معظم رهبری نیز بر آن تأکید می‌کنند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۳/۶) اگرچه می‌توان با تحلیل و استدلال بین دو معنا پیوند ایجاد کرد و آن دو را معنای واحد برشمرد، ولی آنچه در این پژوهش، به آن توجه می‌شود، جستاری در بحث جهاد کبیر به معنای نخست و با افق گفتمان تمدن نوین اسلامی است.

ج) تمدن: تمدن در لغت به معنای شهرنشینی، آشنایی با زندگی شهری و همکاری کردن مردم در امور زندگانی و فراهم ساختن اسباب ترقی و آسایش آمده است. (عمید، ۱۳۶۴، ج ۱: ۶۱۵) در عربی نیز از آن به «حضاره» به معنای شهرنشینی و زندگی شهری در برابر بادیه‌نشینی تعبیر می‌شود. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴: ۶۸؛ بابایی، ۱۳۹۶: ۵۹) در اصطلاح، برای تمدن تعریف‌های گوناگونی ارائه شده است. گروهی آن را به حالت اجتماعی انسان‌ها تعبیر می‌کنند. (ابن خلدون، بی‌تا، ج ۱: ۱۸۳) برخی دیگر آن را نوعی نظم اجتماعی می‌دانند که به خلاقیت فرهنگی منجر می‌شود. (دورانت، ۱۳۸۵، ج ۱: ۳۰) عده‌ای آن را به مجموعه ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه تعریف می‌کنند. (شریعتی، ۱۳۵۹، ج ۱: ۹ و ۵) نکته دقیق‌تر اینکه می‌توان از تمدن به عنوان شکل هماهنگ انسان‌ها در حیات معقول، همراه روابط عادلانه و اشتراک همه افراد و گروه‌ها در پیشبرد اهداف مادی و معنوی انسان‌ها در همه ابعاد مثبت یاد کرد (جعفری، ۱۳۶۲، ج ۵: ۱۶۱) که در این پژوهش، همین معنا مورد نظر است و براساس همین معنا این مقاله به سرانجام خواهد رسید.

نکته درخور توجه اینکه تمدن‌ها به نحو موجبه کلیه و عام شکل‌های گوناگون دارند که هرکدام باتوجه به مختصات که دارند، از همدیگر تمیز داده می‌شوند. تمدن اسلامی نیز براساس ویژگی‌های دین اسلام و ارزش‌ها و باورهای دینی است. چنان‌که امام خامنه‌ای دام‌ظله می‌فرماید: «تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد». (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۶/۱۴) تمدن نوین اسلامی نیز عبارت از ظهور و بروز مادی و معنوی پیشرفت‌های هدفمند و جدید امت اسلامی است. براین اساس، تمدن نوین اسلامی در پی این نیست که زندگی گروه و دسته خاصی از انسان‌ها را از نظر معنوی و مادی نجات دهد؛ بلکه در پی آن است نجات‌بخش حیات امت اسلامی باشد. (کردفیروزجایی، ۱۳۹۹: ۳۰۹) از این رو مقام معظم‌رهبری هدف انقلاب اسلامی و ملت ایران را ایجاد تمدن نوین اسلامی می‌دانند (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳) و تأکید می‌کنند: «تمدن اسلامی، کشورگشایی نیست؛ بلکه به معنای تأثیر پذیرفتن فکری ملت‌ها از اسلام است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۲/۶)

۲-۱. رهیافت‌ها در تمدن

اگر بخواهیم تمدن را از نظر ایدئولوژیکی بررسی کنیم، دو رهیافت و نگرش کلی قابل فرض است که هرکدام رقیب دیگری شمرده می‌شوند و آن دو عبارت‌اند از: تمدن غرب و تمدن اسلامی که در اینجا به آن دو به‌عنوان دو رقیب اشاره خواهد شد.

الف) تمدن غرب: تمدن غرب الهام‌یافته از پیش‌انگاره‌های اومانیسم، لیبرالیسم و مانند آن است و از الهامات الهی و آسمانی تهی و بی‌بهره است و این نوع تمدن هم‌اکنون جهان غرب را با همه اقوام و ادیان دربر گرفته و خود را رقیب جدی تمدن اسلامی به‌شمار می‌آورد و انگاره جهانی شدن را در سر می‌پروراند. روشن است که پژوهش پیش‌رو، در پی کاویدن این سنخ از تمدن نخواهد بود و بلکه آن را رقیب خود می‌داند.

ب) تمدن اسلامی: رهیافت دیگر در این پژوهش، تمدن اسلامی مبتنی بر مبانی اسلام و بعثت پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است که از آغاز توسط شخص ایشان در مدینه‌النبی بنا نهاده

شد و تاکنون با فراز و فرود در جریان است. استمراربخش آن تمدن نوین اسلامی است که انقلاب اسلامی ایران با الهام از قرآن کریم^۱ یکی از مقدمات آن به‌شمار می‌رود. تمدن نوین اسلامی رقیب خود را تمدن غرب می‌داند و این پژوهش نیز در پی این است به تبیین نقش جهاد کبیر در تحقق این تمدن موعود بپردازد.

۲. پیشینه‌شناسی

باتوجه به جست‌وجو و پژوهش‌هایی که در پیشینه عنوان «واکاوی و تحلیل نقش جهاد کبیر در تحقق تمدن نوین اسلامی» انجام پذیرفته است، هیچ پژوهشی با این عنوان صورت نگرفت. ولی پژوهش‌هایی مرتبط با این عنوان انجام شده که نویسنده این مقاله از هریک آنها بهره برده است. در اینجا به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود:

۱. مقاله «تبارشناسی مفهوم تمدن در غرب جدید» از حبیب‌الله بابایی، فصلنامه آینه پژوهش، سال ۱۳۹۶؛ نویسنده این مقاله کوشیده است به تبارشناسی مفهوم تمدن در غرب بپردازد و به هیچ‌یک از مصادیق جهاد کبیر که در تحقق تمدن نوین اسلامی نقش دارند، اشاره نکرده است.

۲. مقاله «بازشناسی و تحلیل پیش‌انگاره‌های تحقق تمدن نوین اسلامی با رویکرد کلامی با تأکید بر اندیشه امام خامنه‌ای» از اسداله کردفیروزجائی، دوفصلنامه علمی مطالعاتی بنیادین تمدن نوین اسلامی، سال ۱۳۹۹؛ در مقاله یادشده به پیش‌انگاره‌های کلامی تحقق تمدن نوین اسلامی پرداخته شده و هیچ اشاره‌ای به نقش جهاد کبیر و مصادیق آن در تحقق تمدن نوین نشده است.

۱. وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (نور: ۵۵)؛ خداوند به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که به‌یقین آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد. همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت؛ و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آنچنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقان‌اند.

۳. مقاله «انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و تمدن نوین اسلامی» از محمدباقر خرمشاد، فصلنامه راهبرد فرهنگ، سال ۱۳۹۲؛ نویسنده این مقاله نیز به رابطه بیداری اسلامی ملت‌ها با تمدن نوین اسلامی پرداخته و به بحث جهاد کبیر هیچ ورودی نداشته است.

۴. مقاله «مبانی فلسفی و جایگاه علوم انسانی در تمدن نوین اسلامی» از محمد نبی‌زاده، فصلنامه اندیشه تمدنی اسلام، سال ۱۳۹۵؛ مقاله یادشده نسبت به مقاله‌های دیگر به مقاله پیش‌رو نزدیک‌تر است؛ چون به نقش علوم انسانی اسلامی در تحقق تمدن نوین اسلامی می‌پردازد. ولی شاخص‌های دیگری که مقاله پیش‌رو به آنها پرداخته است را ندارد.

۵. مقاله «نقش علوم انسانی اسلامی در تمدن نوین اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری» از مهدی ابوطالبی، فصلنامه تحقیقات بنیادین علون انسانی، سال سوم، شماره ۱ (پیاپی ۶)، بهار ۱۳۹۶، ص ۹۷-۱۲۳؛ در این مقاله، به طور مبسوط به نقش علوم انسانی اسلامی در تحقق تمدن نوین اسلامی پرداخته شده ولی به نمونه‌های دیگر جهاد کبیر یادشده در مقاله پیش‌رو پرداخته نشده است.

۶. مقاله «بررسی چیستی جهاد کبیر و نقش آن در تمدن‌سازی اسلامی» از محمدعلی مشایخی‌پور، فصلنامه پژوهش‌های تمدن نوین اسلامی، سال ۱۳۹۹؛ اگرچه این مقاله از نظر عنوان به مقاله پیش‌رو نزدیک‌تر است، ولی اصل مقاله هنوز در دسترس نیست؛ همچنین براساس چکیده موجود، می‌توان دریافت که آن دو در محتوا متفاوت‌اند و مقاله پیش‌رو می‌تواند تکمیل‌کننده آن باشد و کاستی‌های آن را جبران کند. از این‌رو، مقاله پیش‌رو نسبت به پیشینه یادشده و مانند آنها متفاوت و ممتاز تلقی می‌شود.

۳. چگونگی نقش جهاد کبیر در تحقق تمدن نوین اسلامی

در اینجا این پرسش مطرح است که جهاد کبیر چگونه می‌تواند در تحقق تمدن نوین اسلامی نقش داشته باشد؟ در پاسخ، می‌توان به این نکته اشاره کرد که تحقق تمدن نوین اسلامی و دستیابی به آن به زیرساخت‌ها و الزاماتی وابسته است که به‌ناچار باید فراهم شوند. باتوجه به شرایط کنونی جهان، موانع فراوانی اعم از سیاسی، فرهنگی و مانند آن، که

بیشتر در قالب تمدن غربی وجود دارند، رقیب و مانع جدی تحقق تمدن نوین اسلامی شمرده می‌شوند. ولی با تدابیر مجاهدانه و جهاد کبیر، می‌توان در برابر همه موانع ایستادگی کرد و زمینه را برای تحقق و دستیابی به تمدن نوین اسلامی امکان‌پذیر ساخت. عملیاتی کردن جهاد کبیر راه نفوذ تفکر رقیب تمدن نوین اسلامی یعنی تمدن غرب را می‌بندد و مسیر را برای تحقق تمدن نوین اسلامی هموار می‌کند؛ بنابراین، با پیروی نکردن از فرهنگ و تمدن برخاسته از استکبار غرب، راه نفوذ دشمن بر پیکره جامعه اسلامی بسته می‌شود. می‌توان گفت جهاد کبیر گام برداشتن در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی است.

۴. برخی از مصادیق صاحب نقش جهاد کبیر در تحقق تمدن نوین اسلامی

یکی از موارد لازم در واکاوی و تحلیل نقش جهاد کبیر در تحقق تمدن نوین اسلامی، عبارت است از اینکه جهاد کبیر در عرصه تمدن نوین به‌درستی مصداق‌شناسی شود و مصادیقی از آن، که در تحقق تمدن نوین اسلامی نقش دارند، بازشناسی و تبیین شوند. نکته قابل توجه دیگر اینکه اگرچه معنای منطوق (مظفر، بی‌تا، ج ۱: ۱۰۷) جهاد کبیر، سلبی و به معنای «عدم اطاعت و عدم تبعیت از کفار» شناخته می‌شود، ولی نباید غفلت ورزید که معنای منطوق مفهومی را به همراه خواهد داشت. (همان) در این صورت، جهاد کبیر شامل معنای ایجابی همانند استقامت‌ورزی، تلاش دوچندان در برابر دشمنان و مانند آن در عرصه‌های گوناگون را نیز شامل می‌شود. این می‌تواند دارای مصادیق فراوان باشد که بیان همه آنها در یک مقاله نمی‌گنجد. مصادیق جهاد کبیر به مواردی که در این پژوهش از آنها نام برده می‌شود، منحصر نیستند و به یقین، این حصر عقلی نخواهد بود. در این قسمت به نمونه‌هایی از جهاد کبیر اعم از سلبی و ایجابی، که در فرایند تحقق تمدن نوین اسلامی نقش دارند، پرداخته می‌شود.

۴-۱. عدم اطاعت از تمدن غرب

به‌طور خلاصه می‌توان بیان کرد که تمدن جدید غرب در اواخر قرن هیجدهم با انگیزه پیشرفت و تکیه بر ایده روشننگری و مفهوم مدرنیته (Modernity)، شکل گرفت که در آن بر تحول دنیوی و غیردینی و بر پیشرفت خودبنیاد انسانی (بابایی، ۱۳۹۶: ۵۳) و فاصله گرفتن

از آیین کلیسا و دین‌باوری تأکید شده است. (ایلخانی، ۱۳۸۲: ۵۶۰) براساس نتایج به‌دست‌آمده از کاوش در تاریخ ادیان، بسیاری از آن تحولات به‌دلیل ضعف و انحراف اصحاب کلیسای آن روزگار بود. وقتی متفکران و دانشمندان آن دوره از قید و بند کلیسا آزاد شدند، با سیر در مناطق گوناگون جهان به فناوری‌هایی دست یافتند که در رونق اقتصادی و پیشرفت آنان بی‌تأثیر نبود. (رن‌دال، ۱۳۷۶، ج ۱: ۱۲۵-۱۲۶) از آن پس، به طرح تمدن جدید پرداختند و در پی آن برآمدند تا جهان را به سیطره خود درآورند. آنان تا حدودی توانستند خواسته‌ها و ایدئولوژی خود را بر مسلمانان و کشورهای اسلامی تحمیل کنند و ازجمله این باور را بر کشورها تحمیل کردند که بدون وجود خدا می‌توان بر همه مشکلات پیروز شد. (مودودی، ۱۳۵۲: ۱۴) ازجمله میوه‌های این نگرش را می‌توان ظهور اومانیزم (humanism) در جهان غرب دانست که بر این باور است که مردم به‌جای پرستش انسان خدایی (حضرت مسیح)، به پرستش خدای انسانی (خود) روی آوردند. (گاردنر، ۱۳۸۶: ۴۴) برخی دیگر نیز انسان را تا اندازه‌ای خدایی اوج دادند. چنان‌که از فویر باخ نقل شده که می‌گوید: «انسان خدای انسان است» یا «خداوند چیزی جز انسان در نظر خود انسان نیست». (دیویس، ۱۳۷۸: ۳۸)

به‌هرحال، تمدن غرب با تمدن اسلام و تمدن نوینی، که از وعده‌های الهی است، (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵: ۱۵۵؛ خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۹/۱۷) در تعارض است و رقیب جدی آن شمرده می‌شود. (نجفی و غلامی، ۱۳۹۷: ۱۲۶) این تمدن با همه ابزارهای سخت و نرم می‌کوشد تا اندیشه‌های مسلمانان را دنباله‌رو خود کند. نمونه‌اش را می‌توان در بسیاری از مراکز علمی و دانشگاهی جهان اسلام مشاهده کرد که از محصول علوم انسانی تولیدشده در بستر تمدن غرب استفاده می‌کنند. این دربرابر شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی چالشی جدی است. مبارزه با این‌گونه چالش‌ها به عزم مجاهدانه نیاز دارد. ازاین‌رو مبارزه با تمدن غرب و تسلیم نشدن در برابر آن، برای تحقق تمدن نوین اسلامی امری لازم و گریزناپذیر است و کوشش در این مسیر کاری جهادی از سنخ جهاد کبیر شمرده می‌شود که نباید آن را نادیده گرفت.

۲-۴. عدم پذیرش ولایت کفار

روشن است که یکی از پایه‌های تحقق تمدن نوین اسلامی ولایت‌پذیری و حرکت در مسیر ولایت الهی است. تنها در سایه ولایت و سرپرستی خدا و اجازه‌یافتگان از سوی او می‌توان به شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی امیدوار بود. هرگز نمی‌توان در پرتو ولایت کفار امیدوار بود تا تمدن نوین اسلامی شکل بگیرد. با این نگاه ولایت و سرپرستی کفار غیرقابل‌پذیرش است و طاغوت شمرده می‌شوند و خداوند دوری گزیدن از طاغوت را واجب کرده است. (نحل: ۳۶) خداوند در قرآن مؤمنان را از پذیرش ولایت کفار بر حذر داشته و می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، یهود و نصاری را ولی [و دوست و تکیه‌گاه خود] انتخاب نکنید. آنها اولیای یکدیگرند؛ و کسانی که از شما با آنان دوستی کنند، از آنها هستند؛ خداوند، جمعیت ستمکار را هدایت نمی‌کند. (مائده: ۵۱)

قرآن کریم در آیه‌ای دیگر نبرد با کفار و مشرکان را مطرح کرده و می‌فرماید:

قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّىٰ يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ؛

با کسانی از اهل کتاب که نه به خدا، و نه به روز جزا ایمان دارند، و نه آنچه را خدا و رسولش تحریم کرده حرام می‌شمارند، و نه آیین حق را می‌پذیرند، پیکار کنید تا زمانی که با خضوع و تسلیم، جزیه را به‌دست خود بپردازند. (توبه: ۲۹)

از این دسته آیات می‌توان دریافت که به‌هیچ‌وجه ولایت و سرپرستی کفار را نباید پذیرفت و راز این را می‌توان از این آیه قرآن فهمید که می‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا؛ و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است». (نساء: ۱۴۱) در کنار این آیه شریفه، پیامبر اسلام ﷺ نیز بر نفی ولایت کفار بر مؤمنان تأکید می‌کند و می‌فرماید: «الْإِسْلَامُ يَغْلُو وَلَا يَغْلَىٰ عَلَيْهِ وَ الْكُفْرُ بِمَنْزِلَةِ الْمَوْتِ لَا يَجْجُبُونَ وَلَا يَرْتُون» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۶: ۲۵)؛ اسلام برتر است و چیزی بر آن برتری نخواهد یافت و کافران به‌منزله مردگان هستند و مانع از ارث نمی‌باشند و ارث نیز نمی‌برند.

در اینجا پرسش این است که با توجه به قدرت مادی کفار، که تمدن غرب از آن شکل گرفته است، با چه ابزار و تدبیری می‌توان بر آنان چیره شد و برتری اسلام و تمدن اسلامی را نسبت به آنها ابراز کرد؟ پاسخ آن است که اگر همه مسلمانان، به‌ویژه نظام اسلامی در مقابل سلطه‌گری کفار و تمدن غرب ایستادگی کنند و تسلیم خواسته‌های آنان نشوند و آنان نتوانند برای مسلمانان تصمیم بگیرند، می‌توان بر آنان پیروز شد. این نتیجه با دوری جستن و پیروی نکردن مسلمانان از ولایت کفار به دست می‌آید که جهاد کبیر نامیده می‌شود.

۳-۴. استقامت‌ورزی در تحول علوم انسانی

یکی از نمونه‌های جهاد کبیر که در تحقق تمدن نوین اسلامی نقش مهم و اساسی دارد، تولید علم است. علم به دو شکل عام و خاص در تحقق تمدن نوین اسلامی ایفای نقش می‌کند؛ (بیانات، ۱۳۷۹/۱۲/۹) عام به این معنا که همه علوم از حیث علم بودن مانند فیزیک، شیمی و مانند آن بدون قید علوم خاص اعم از علوم طبیعی و انسانی در تمدن اسلامی نقش دارد و بدون کسب علم نمی‌توان به قله پیشرفت دست یافت؛ خاص به این معنا که علوم انسانی در تحقق تمدن نقش ویژه‌ای دارد و نقش نرم‌افزاری و جهت‌دهندگی به علوم طبیعی و پایه را ایفا می‌کند. روشن است که علوم انسانی موجود نمی‌تواند در این مسیر گام‌های لازم را بردارد و نقش جهت‌دهندگی طبق مبانی اسلام را داشته باشد و به یقین به تحول و بومی‌سازی نیاز دارد.

تمدن نوین اسلامی موردنظر هرگز با علوم مبتنی بر اومانیسم و برگرفته از تمدن غرب محقق نمی‌شود. بنابراین، جامعه متمدن موعود علم ناهمگون با فطرت بشری و سکولار را برنمی‌تابد. هرگاه صحبت از جامعه اسلامی یا تمدن نوین اسلامی به میان می‌آید، در آغاز باید همه توجه به شکل‌گیری ساختاری باشد که علوم انسانی براساس آن ساختار پایه‌گذاری شده است (نبی‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۰۶) و آن جز ساختار مبتنی بر اسلام نخواهد بود. از این رو، زمانی این تمدن تمام و کمال پا به عرصه وجود و ظهور می‌گذارد که جامعه در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مانند آن براساس علوم انسانی تحول یافته و برخاسته از وحی و کلمات نورانی اهل بیت علیهم‌السلام اداره شود. همچنین روشن است که تولید علوم انسانی اسلامی

در این عرصه‌ها به آسانی و بدون مجاهدت امکان‌پذیر نیست؛ بلکه به استقامت و جهاد کبیر نیاز دارد. از این رو می‌توان گفت یکی از مصادیق جهاد کبیر در فرایند تحقق تمدن نوین اسلامی، مجاهدت و استقامت‌ورزی در تحول علوم انسانی است. راز جهاد کبیر بودن استقامت‌ورزی در تحول علوم انسانی آن است که این عمل (تحول) افزون‌بر پیروی نکردن از علم سکولار برخاسته از بیگانگان، به استقامت و تلاش دوچندان و مجاهدانه در تولید بومی‌سازی نیاز دارد.

از آنچه گذشت، به این نکته می‌توان دست یافت که بنیان فکری و زیربنایی تمدن‌سازی جز با فرهنگ بومی شکل نمی‌گیرد. برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی باید نخست، مدلی بومی همگون با مبانی اسلامی از علوم انسانی ارائه داد. از این رو، نیاز است در علوم انسانی تحول و بازنگری جدی و قابل‌توجهی رخ دهد که عملیاتی کردن آن کاری جهادی از نوع جهاد کبیر است. با این اوصاف، می‌توان دریافت که یکی از گام‌های مهم و سرنوشت‌ساز در تحقق تمدن نوین اسلامی عبارت است از اینکه پژوهشگران و اندیشمندان در عرصه تولید علوم انسانی اسلامی بر قدرت علمی خود بکوشند و بر است فراغ وسع و ذوق اجتهدی خود بیفزایند تا راه رسیدن به تمدن نوین اسلامی هموار شود.

۴-۴. استقامت در تربیت مدیران تمدن‌ساز

پرواضح است که تمدن نوین اسلامی با تکیه بر مدیریت در تراز خود شکل می‌گیرد. مدیریت تمدن‌ساز مدیریتی جهادی، پرتلاش و خستگی‌ناپذیر همراه با اخلاص و مبتنی بر علم و تدبیر است (پهلوان‌شریف و کاظمی‌شوره‌ای، ۱۳۹۹: ۱۴۵) تمدن نوین اسلامی هرگز با مدیریت ناهم‌تراز و تربیت‌شده براساس تمدن غرب، به‌وقوع نخواهد پیوست. بنابراین، یکی از فعالیت‌های جهادی، تربیت مدیران انقلابی و تمدن‌ساز است.

فلسفه جهادی‌انگاری تربیت مدیران تمدن‌ساز آن است که علوم مربوط به مدیریت که در مراکز علمی جوامع اسلامی متداول است همچنان الگوبرداری‌شده و برخاسته از غرب است و هنوز مسلمانان نتوانستند علم مدیریت را براساس مبانی و مبادی اسلام استنباط و استخراج کنند. از این رو تولید علم مدیریت برای تربیت مدیران تمدن‌ساز کار مجاهدانه

است و جهاد شمرده می‌شود. می‌توان دریافت که تربیت مدیران تمدن‌ساز و در تراز تمدن نوین اسلامی کاری جهادی از سنخ جهاد کبیر است. دستیابی به تمدن نوین اسلامی بدون شکل‌گیری مدیریت جهادی و تمدن‌ساز امکان‌پذیر نخواهد بود. این امر مهم می‌طلبد که جوانان با الگوگیری از سبک مدیریتی شهید سلیمانی، که از نوع مدیریت تمدن‌ساز بود، به جهاد کبیر بپردازند و تلاش دوجندان کنند تا تحقق تمدن نوین اسلامی را در جامعه مدیریت کنند.

۵-۴. پافشاری بر سبک زندگی اسلامی

یکی دیگر از نمونه‌های جهاد کبیر در تحقق تمدن نوین اسلامی، پافشاری بر سبک زندگی اسلامی است. واژه «سبک» مترادف با کلمه «اسلوب» در زبان عربی به معنای شیوه، روش، رسم، عادت و مانند آن است (عمید، ۱۳۶۴، ج ۲: ۱۱۶۲) و زندگی نقیض مرگ، مترادف است با واژگانی همچون زندگانی، زیستن، معاش و حیات. (عمید، ۱۳۶۴، ج ۲: ۱۱۱۸) سبک زندگی با رویکردهای گوناگونی قابل بررسی است. بنابراین، سبک زندگی با رویکرد جامعه‌شناختی به ابزار و مفهومی گفته می‌شود که مربوط به رفتار اجتماعی گروه‌هاست و گروه سرمایه‌داران، دانشمندان، کارگران و مانند آن به وسیله آن تحلیل می‌شود. با این رویکرد سبک زندگی به طبقات اجتماعی و گروه‌ها و منزلت اجتماعی آنها پیوند دارد. (مهدی‌زاده، ۱۳۹۸: ۴۹) در رویکرد روان‌شناختی نیز به رفتار و هویت فردی تحلیل می‌شود. (شریفی، ۱۳۹۸: ۶) سبک زندگی در رویکرد اقتصادی براساس نوع مصرف کالاهای مورد استفاده تک‌تک انسان‌ها و یا جامعه تحلیل می‌شود. (شریفی، ۱۳۹۸: ۷) ولی هیچ‌یک از اینها معنای سبک زندگی اسلامی را نمی‌رسانند. سبک زندگی اسلامی که در تحقق تمدن نوین اسلامی ایفای نقش می‌کند عبارت است از شیوه و روش نهادینه‌شده و به نسبت پایدار زیستن براساس اسلام و آموزه‌های آن. بر همین اساس، رهبر معظم انقلاب، امام خامنه‌ای دام‌الله سبک زندگی را بخش حقیقی تمدن نوین اسلامی دانسته و در توضیح آن می‌فرماید:

بخش حقیقی [تمدن نوین اسلامی] آن چیزهایی است که متن زندگی ما را

تشکیل می‌دهد؛ که همان سبک زندگی است... مثل مسئله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله خط، مسئله زبان، مسئله کسب‌وکار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه‌ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مرئوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، [و مانند آن]. (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۴)

تغییر سبک زندگی از سبک تمدن غربی به سبک تمدن نوین اسلامی به استقامت مجاهدانه نیاز دارد که از آن به جهاد کبیر تعبیر می‌شود؛ زیرا فرهنگ و تمدن غرب به شدت پافشاری می‌کند که بر سبک و نحوه زندگی مسلمانان سیطره داشته باشد و مردم این سبک را رها نسازند. امام خامنه‌ای دام‌الله نیز در بیانیه گام دوم انقلاب برای چهل سال دوم انقلاب توصیه‌هایی به مردم دارد که از جمله آنها سبک زندگی اسلامی است و در توضیح آن می‌فرماید: «تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوان‌هاست». (خامنه‌ای، بیانیه گام دوم) از آنچه گذشت، می‌توان دریافت که بدون مجاهدت و جهاد کبیر نمی‌توان بر خواسته غرب در سبک زندگی پیروز شد و به سبک زندگی اسلامی که از لوازم تحقق تمدن نوین اسلامی است، دست یافت.

نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق با عنوان «واکاوی و تحلیل نقش جهاد کبیر در تحقق تمدن نوین اسلامی» به این شرح است:

۱. از جمله لوازمی که تحقق تمدن نوین اسلامی به آن بستگی دارد، مجاهدت و تلاش دوچندان در فرایند تحقق آن است که از آن، به جهاد کبیر تعبیر می‌شود و خود در این مسیر چه به لحاظ سلبی و چه به لحاظ ایجابی مصادیق فراوان دارد؛
۲. نقش جهاد کبیر در تحقق تمدن نوین اسلامی با شاخصه‌هایی سلبی همچون پیروی

نکردن از تمدن غرب و حتی مبارزه با آن، نپذیرفتن ولایت کفار و مانند آن نمایش داده می شود؛

۳. جهاد کبیر با شاخص هایی همچون استقامت ورزی در تحول علوم انسانی، استقامت در تربیت مدیران تمدن ساز و پافشاری بر سبک زندگی اسلامی می تواند مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی را هموار سازد؛

۴. نقش جهاد کبیر به روشنی در فرایند تحقق تمدن نوین اسلامی نمایان است و بدون عملیاتی کردن شاخص های آن، نمی توان به تمدن نوین اسلامی دست یافت.

کتابنامه

قرآن کریم.

ابوطالبی، مهدی (۱۳۹۶). نقش علوم انسانی اسلامی در تمدن نوین اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری. تحقیقات بنیادین علون انسانی، ۳ (۶)، ۹۷ - ۱۲۳.

ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (بی تا). مقدمه ابن خلدون. قاهره، دار نهضة.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت، دارالفکر.

ایلخانی، محمد (۱۳۸۲). تاریخ فلسفه در قرون وسطی و رنسانس. تهران، سمت.

بابایی، حبیب اله (۱۳۹۶). تبارشناسی مفهوم تمدن در غرب جدید. آینه پژوهش، ۲۸ (۱)، ۵۳ - ۶۲.

بهمنی، محمدرضا (۱۳۹۳). تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت الله خامنه ای. نقد و نظر، ۱۹ (۲)، ۱۹۸ - ۲۳۷.

بیانات حضرت آیت الله خامنه ای، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir>

پهلوان شریف، محمد امین، و کاظمی شوره ای، محمدحسین (۱۳۹۹). تبیین الگوی شایستگی مدیران جهادی تمدن ساز (مورد مطالعه: شهید قاسم سلیمانی). مدیریت اسلامی، ۲۸ (۴)، ۱۴۱ - ۱۶۸.

جعفری، محمد تقی (۱۳۶۲). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه. تهران، فرهنگ اسلامی.

حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. قم، مؤسسه آل البيت ع.

دورانت، ویلیام جیمز، (۱۳۸۵). تاریخ تمدن. (احمد آرام و دیگران، مترجم). تهران، علمی و فرهنگی.

دیویس، تونی (۱۳۷۸). اومانیزم. (عباس مخبر، مترجم). تهران، نشر مرکز.

رندال، هرمن (۱۳۷۶). سیر تکامل عقل نوین. (ابوالقاسم بخشنده، مترجم). تهران، علمی و فرهنگی.

- سبزواری نجفی، محمدبن حبیب الله (۱۴۰۶ق). الجدید فی تفسیرالقرآن. بیروت، دارالتعارف. شریعتی، علی (۱۳۵۹). تاریخ تمدن، تهران، قلم.
- شریفی، احمدحسین (۱۳۹۸). سبک زندگی و هنرهای بی زبان انتقال پیام. قم، حسینیه الغدیر.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیرالقرآن. بیروت، مؤسسة الاعلمی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیرالقرآن. تهران، ناصرخسرو.
- طوسی، محمدبن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیرالقرآن، بیروت. داراحیاء التراث العربی.
- عمید، حسن (۱۳۶۴). فرهنگ فارسی عمید. تهران، امیرکبیر.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). کتاب العین. قم، هجرت.
- فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی (۱۴۱۸ق). الاصفی. قم، مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی.
- کردفیروزجائی، اسداله (۱۳۹۹). بازشناسی و تحلیل پیش انگاره های تحقق تمدن نوین اسلامی با رویکرد کلامی با تأکید بر اندیشه امام خامنه ای. مطالعاتی بنیادین تمدن نوین اسلامی، ۳(۵)، ۳۰۵-۳۲۸.
- گاردنر، ویلیام (۱۳۸۶). جنگ علیه خانواده. (معصومه محمدی، مترجم). تهران، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- مظفر، محمدرضا (بی تا). اصول الفقه. قم، اسماعیلیان.
- مهدی زاده، حمید (۱۳۹۸). بازتبیین سبک زندگی در گستره روان شناسی، جامعه شناسی و اسلام. مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین المللی علوم انسانی اسلامی. تهران، آفتاب توسعه.
- مودودی، ابوالاعلی (۱۳۵۲). اسلام و تمدن غرب. (ابراهیم امینی، مترجم). تهران، کانون انتشارات.
- نبی زاده، محمد (۱۳۹۵). مبانی فلسفی و جایگاه علوم انسانی در تمدن نوین اسلامی. اندیشه تمدنی اسلام، ۱(۲)، ۱۰۳-۱۱۵.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام. بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- نجفی، موسی، و غلامی، رضا (۱۳۹۷). انقلاب اسلامی و نقش محوری آن در شکل گیری تمدن نوین اسلامی با تأکید بر دکنترین امامت. مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۵(۵۵)، ۱۲۱-۱۴۰.